

درآمد

Revenue

واژه «درآمد» در واژه‌نامه دهخدا به معنای عایدی، دخل، برداشت، بهره، حاصل، محصول، فایده و مانند آن تعریف شده است. در فارسی واژه «درآمد» در بازگردان هر دو واژه income و revenue به کار می‌رود. در زبان انگلیسی این دو لغت مقداری با یکدیگر تفاوت دارند. فرهنگ واژگان انگلیسی کمبریج واژه‌های بالا را به این صورت تعریف کرده است:

Income

• پولی که از انجام کار به دست می‌آید یا از سرمایه‌گذاری دریافت می‌شود.

• سود یک شرکت در یک دوره زمانی خاص.

• پولی که شخص، شرکت، دولت و مانند آن هنگام یک دوره زمانی خاص به دست آورده است.

Revenue

• درآمدی که یک دولت یا شرکت به طور منظم دریافت می‌کند.

• پولی که یک شرکت به ویژه از طریق فروش کالاها یا خدمات دریافت می‌کند.

در نظریه بنگاه‌ها منظور از درآمد و مفاهیم درآمد کل، درآمد متوسط و درآمد نهایی اشاره به واژه Revenue دارد.

درآمد کل (Total Revenue)

منظور از درآمد کل یک تولیدکننده درآمد برآمده از فروش کل تولیدات آن تولیدکننده است (ابونوری، ۱۳۸۷: ۴۶۳). محاسبه درآمد کل به روش زیر است (مهرگان، ۱۳۹۹: ۲۴۷):

$$\text{مقدار تولید} \times \text{قیمت} = \text{درآمد کل}$$

از آنجاکه در بازار رقابت کامل بنگاه قیمت‌پذیر بوده و قیمت ثابت است، درآمد کل رابطه خطی با مقدار تولید (و

فروش) دارد. ولی اگر قیمت فروش متغیر باشد (مانند بازار انحصاری)، آن‌گاه دیگر لزوماً رابطه به صورت خطی نبوده و می‌تواند فرم‌های گوناگونی به خود بگیرد و رابطه با مقدار تولید متفاوت باشد (ابونوری، ۱۳۸۷: ۴۶۳).

هنگامی که تقاضا بی‌کشش باشد درآمد کل هم‌جهت با قیمت تغییر می‌کند. یعنی با افزایش قیمت درآمد کل نیز افزایش می‌یابد. درباره کالا یا خدمت دارای تقاضای باکشش، درآمد کل برخلاف جهت قیمت تغییر می‌کند، یعنی با افزایش قیمت درآمد کل کاهش می‌یابد و می‌توان با به‌کارگیری مفاهیم درآمد کل و هزینه کل سود بنگاه را محاسبه کرد (Pindyck and Rubinfeld, 2013: 284) (mankiw, 2015: 107).

درآمد متوسط (Average Revenue)

درآمد متوسط از تقسیم درآمد کل بر تعداد کل واحدهای فروخته شده به دست می‌آید. درآمد متوسط به‌طور کلی برابر با قیمت هر واحد فروخته شده است (Pindyck and Samuelson and) (Rubinfeld, 2013: 358) (Nordhaus, 2010: 177). به بیانی دیگر، درآمدی که به‌ازای هر واحد کالا به دست آمده است، درآمد متوسط نامیده می‌شود (مهرگان، ۱۳۹۹: ۲۴۸). درآمد متوسط تولیدکننده منطبق با تقاضای مصرف‌کننده است (ابونوری، ۱۳۸۷: ۴۶۴).

درآمد نهایی (Marginal Revenue)

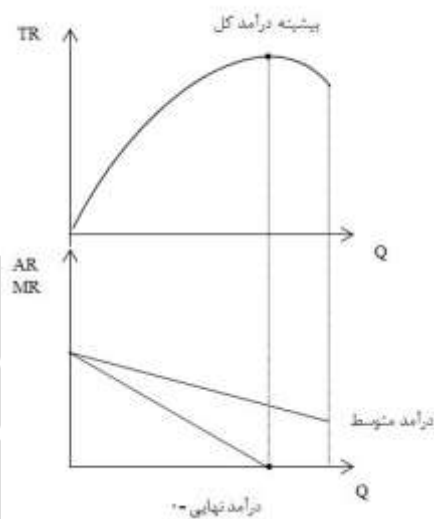
درآمد نهایی به معنای تغییر در درآمدی است که توسط یک واحد فروش بیشتر حاصل می‌شود. یعنی به‌ازای یک واحد تولید بیشتر چه مقدار به درآمد اضافه می‌شود (Pindyck and Rubinfeld, 2013: 358). روشن است که با این تعریف درآمد نهایی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در شرایط رقابت کامل درآمد نهایی برابر با قیمت است، اما در شرایطی که بازار رقابت کامل نباشد درآمد نهایی کمتر از قیمت است (Samuelson and Nordhaus, 2010: 177). از نظر ریاضی

سیدمحمدهادی سبحانیان
گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران،
ایران

علی مهرگان
دانشجوی دکتری اقتصاد

درآمد نهایی مشتق تابع درآمد (کل) نسبت به مقادیر است
(Perloff, 2015: 229) (همچنین نگاه کنید به ابونوری،
۱۳۸۷: ۴۶۶ و مهرگان، ۱۳۹۹: ۲۴۸).

تغییر در تولید کل / تغییر در درآمد کل = درآمد نهایی



کتاب‌شناسی

ابونوری، عباسعلی (۱۳۸۷). *اقتصاد خرد*، جلد اول، چاپ سوم، تهران:
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا نسخه دیجیتال*،
<http://dekhoda.ut.ac.ir> بر پایه نسخه فیزیکی ۱۵ جلدی
انتشار سال ۱۳۷۷.
مهرگان، نادر (۱۳۹۹). *اقتصاد خرد*، چاپ سی و دوم، همدان: نشر
نورعلم.

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english>.
Mankiw, N. G. (2015). *Principles of Microeconomics*, 7ed,
Stamford, CT: Cengage Learning.
Perloff, J. M. (2015). *Microeconomics*, 7ed, Boston, MA:
PEARSON.
Pindyck, R. S., & Rubinfeld, D. L. (2013). *Microeconomics*, 8th
ed. Boston: Pearson.
Samuelson, P. A., Nordhaus, W. D. (2010). *Economics*, 19ed,
Boston, Mass: Irwin/McGraw-Hill.

